



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل، کلیه فونان مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و فونان.

شماره ۳۶۸۷

۱۴شنبه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۳

سال دهم

شماره مسلسل ۷
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۳شنبه

هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۳

فهرست مطالب :

- (۱) تصویب صورت مجلس
 - (۲) بیانات قبل از دستور آقایان: نورالدین امامی - مهندس جعفری - شوشتی (ضمناً آقای شوشتی یک فقره طرح تقدیم ننودند)
 - (۳) بقیه مذاکره در برنامه دولت تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر و اخذ فرای و ابراز اعتقاد بدولت ایشان
 - (۴) تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه
- مجلس ساعت نهمین صبح بپراست آقای سردار فاخر حکمت تشکیل گردید.

(۱) تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل

قراوت میشود (بشرح زیر قراوت شد)

غائب با اجازه - آقای بهادری

غائبین بی اجازه - آقایان: نراقی -

سلطانزاده - ابراهیمی

دیر آمدگان با اجازه - آقایان: غزنی

علم یکساعت و نیم - صرفاً زاده یکساعت

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: اریه

نیساعت - محمودی ۴۰ دقیقه - دکتر مشیر

فاطمی یکساعت

رئیس - آقای ماشای نسبت بصورت

مجلس فرمایشی دارد؟ (مشابهی - بله)

بفرماید.

شایدی - بنده میخواستم عرض کنم

که اغلب از جرایدهای من را که من کرده‌ام

تعریف کرده اند صحیح است که روزنامه‌ها بایستی بطور خلاصه بنویسند و مجموع مطالبی که در مجلس شورای ملی گفته میشود در صفحات روزنامه کنجایش ندارد لکن بایستی معنی و مفهوم واقعی نطق نمایندگان در روزنامه‌ها منتشر شود و نظر باینکه در ابتدای مجلس شورای ملی هستیم (صحیح است) استدعا میکنم از آقایان مدیران جراید مطلب را مورد توجه قرار بدهند من یکساعت و یکربع صحبت کردم در جراید تقریباً یکساعت و نیم نوشته اند و مفهوم عرایش بنده در جراید منعکس نشده است اما میکنم آقایان از باب جراید این مطلب را مورد توجه قرار بدهند.

رئیس - من مکرر سابقاً گفته‌ام لکن

نطق نمایندگان صورت مذاکرات مجلس

شورای ملی است البته آقایان از باب جراید

هم باید وقت کنند که تعریف نکنند ولی ملازم نیستند. آقای پیراسته
خرانی - بنده نسبت بصورت مجلس عرض داشتم
رئیس - هنوز وقت شما نرسیده است
منشی نام شما را نوشته و بعداً خدمتتان اطلاع میدهم.

پیراسته - بنده هم نسبت بصورت مجلس عرض دارم اظهارات بنده در جلسه گذشته راجع بدانشگاه تهران تصور میکنم آندسته ای که شاید آن عرایش خیر - خواهانان بنده را (جمعی از نمایندگان - بلندتر بفرمائید) عرض کردم اظهارات بنده راجع بدانشگاه تهران تصور میکنم چند نفر بسیار معذوری را که اتهامات بنده را متوجه خودشان یا بشرف خودشان دانسته اند بر آن داشته که در خارج منعکس کنند که خدای نخواستن من بدانشگاه تهران بی احترامی کرده ام بنده بازم عرض میکنم بدانشگاه چشم و چراغ این ملک است دانشگاه مایه امید این ملک است علاوه بر اینکه از بنده که خود فارغ التحصیل این دانشگاه هستم شایسته نیست که نسبت بدانشگاه اسائه ادب بشود از هیچکس پسندیده نیست که نسبت بدانشگاه حرفی بزند بنده تذکرات خیر خواهانه ای از نظر تقویت معنویت دانشگاه عرض کردم جناب آقای دکتر بننا استاد محترم دانشگاه و همکار بنده و هیئتور جناب آقای دکتر عیبه و جناب آقای دکتر جزایری ببنده فرمودند که این امر در خارج اینطور منعکس شده است که بنده خدای نخواستن خواسته ام بدانشگاه اسائه ادبی کنم این تنها از بنده بعید است بلکه از هیچکس از هیچ فردی شایسته نیست که بگوید بدانشگاه مایه امید و آرزوی (دکتر عیبه مایه آبروی) ملک است به بگوید بنده عرض کردم صدها باید بدانشگاه توجه بیشتری شود چون دانشگاه

مایه آبروی ملک است (احسن) اما اظهارات بنده راجع بوزارت راه بعضیها تصور کردند بنده که عرض میکنم ما راه نداریم و راه آهن ما باید ساخته بشود قصد انتقاد از وزیر راه بود در صورتیکه بنده قصد انتقاد از آقای وزیر راه نبود
رئیس - آقای پیراسته اگر صورت مجلس توافق بانظرفتان ندارد میتوانستند که بدهید

پیراسته - اینهم راجع بصورت مجلس است که عرض میکنم بنده قصد انتقاد از وزیر راه نبود آقای وزیر راه یک مرد بسیار شریفی است (صحیح است) دردوره گذشته هم زجر بسیار کشید صیغه بسیار کشید مقاومت بسیار کرد و از وقتی هم که بوزارت راه رفته است آنچه میتوانست است برای پیشرفت کار و امور راه کوشش کرده است اما این دلیل نیست که چون با آقای وزیر راه بنده موافقم بگویم که ملک احتیاج براه ندارد همه چیزم درست است این را اگر بگویم برخلاف است هیئتور هم رئیس راه آهن آقای سرتیپ انصاری را بعضی خیال کردند که بنده قصد انتقاد از ایشان دارم آقای سرتیپ انصاری را بنده می شناسم

رئیس - آقای پیراسته این خارج از موضوع صورت جلسه است.

پیراسته - بسیار خوب بنده انتقادی از راه کردم انتقاد از وزیر راه نبود و قصد این نبود که ملک باید راه داشته باشد

رئیس - آقای خرازی
خرانی - عرض میکنم مبلغی که در صورت جلسه است بیکم بود اسب دیدگان قیامی ۲۸ مرداد بنده عرض کردم در حدود دوست هزار تومان و دو میلیون ریال است در صورت جلسه نوشته سپهبد هزار ریال این را استدعا میکنم امر بفرمائید اصلاح شود

آمده گفتند در ظرف یک هفته تمام میشود ما آن روز گفتیم آقا بگفته تمام میشود یکصدای گفته تمام میشود که در حال سه سال شد یک خط بزرگ این بود که در همان موقع که این حرف را زدند بنا را ننگند برای مبارزه در مبارزه اقتصادی باید بنا را کند درخوزستان بعضی اینکه دستگاه نفت خوابید باید همان دقیقه دستگاه اقتصادی بصالت بیفتد (احسن) بنده خدا را شاهد میگویم استفاده میکنم توجه فرمائید بنده مطلب قبلی از دستم میروید این یک مطلب اساسی بود بنده پارسل رفته در خوزستان دیدم که هیچ مالیتیتی نشده و حتی بعضی فعالیتهای اقتصادی بواسطه افتشای خوابیده است بنابراین جناب آقای نخست وزیر در موضوع استفاده میکنم توجه فرمائید زیادی بشود این مذاکراتی که میشود یکطرف قضیه هم اینست که شاید به نتیجه نرسد پس دولت ایران و مردم ایران باید معجز باشد برای فعالیت و مبارزه اقتصادی فعالیت اقتصادی ممکن نیست در اینصورت بشیر بر سر مادام که مبارزه با فساد صورت نگیرد (صمیم است) آگراسی ۵۰۰ میلیون خرج کنید برای سد سازی برای راهسازی برای تأسیسات اقتصادی بنا آبیاری و اگر سیصد میلیون تومان این را بخورند خرج بطور ممکن است برنامه هم به نتیجه برسد اگر یک مبارزه صحیح و صبیق و رشیدانه باشد نشود این برنامه هم محکم زور است (صمیم است احسن) باید طریقی اتخاذ بکنید که در حین اینکه ملت ایران مشغول مبارزه است چند نفر دلار روز نتوانند از عیب شما ضربت بزنند منافع ملت ایران را بچوب نزنند پولها را نخورند چون آنوقت ما مطالب در جهت منافع این مذاکرات بکنند کرائی است که هیچ وجه نسبت بشخص معینی نیست ولی در کلاب مجلس شورای ملی و کلاب مجلس سنا هر کس طالب این است که این وضع بیک موقعیتی برسد مطابق آمال و آرزوی مردم ایران دولت معری این فکر و این نیت است آقا شما که خودتان سرباز هستید و میدانید که جنگ مهات لازم دارد و وسایل لازم دارد آنوقت با همین ترتیبی که تا کنون بوده است با همین دستگاهی که چنانچه ارث رسیده است با همین اشکالات من تعجب میکنم بدون اینکه یک تغییری در وضع فرام بیاورید چطور میتوانی برنامه های بزرگ اقتصادی را اجرا کنی نخست وزیر های ملک و زرا اینها می آیند با یک رغبتی وقتی وارد میشوند در این دستگاه اداری غوطه میخورند دیگر اینها آن آدم های پیش نیستند کلافه میشوند احاطه می شوند مردم سوء استفاده می زیاد هستند میگردد در دست آن آدم را می بیند که اجناس مؤثر را پیدا میکند آنها غنای

میکنند زمامداران را با شتاب میانه اندازند و آنوقت نتیجه ای که میخواهند میرسد آقا چه باید کرد شاید کار ما همین رویه خواهد بود جلوبروید بنده برنامه را در مورد قسمت های فعالیت اقتصادی نمی بینم برای اینکه فساد مانع از این است که بشما موفق شوید بنابراین شما باید با دستگاهی که با دستگاه امروزان تفاوت داشته باشد معجز باشد بنده همکاران شما را تفریب بدهم شما را می شناسم و گمان نمیکنم نسبت با آقایان نظریه ای داشته باشم تا در وارد کار شد ما ولی آقایان وزرا شما در خودتان می بینید آن شخصیتی که اگر نخست وزیر اشتباه کرد بروید و محکم صحت کنید و اشتباه را تذکر بدهید و هه اش بله نگویید دوست آنست و خدمتگذار این است که اگر دیدید نخست وزیر اشتباه میکند تذکر بدهد اگر دیدید تذکرش مورد توجه واقع نمی شود کنار بروید لازم نیست مخالفت کنید دشمن باشد بنده میخواهم از آقای نخست وزیر صحتش را بگویم خلاصه کار وارد در یک معجز صحتهای شما دید بعد از یک سابقه چند ساله فقر اقتصادی و پریشانی ملک برای موفقیت باید در دستگاه کار خودتان تجدید نظر کنید باید مطمئن باشید که در هر عمل موفق میشوید و این آقایان وزرا باید از امروز بدانند که برای این موقعیت در مقابل مجلس شورای ملی مسئول هستند اشخاصی که در این ملک دولت هارا با اشتباه میخوانند بیندازند نمیخوانند دلالت کنند و زور اقتصادی فساد دعوت میکنند اشخاصی که طمع ورزی میخوانند بکنند اشخاصی که بیت المال ملک را میخوانند تفریط کنند بدانند که ما از این وزراء مسئولیت خواهیم خواست آقایان اینها تفریط شده است محکم بدانان اینها بگویند ما از شما حمایت میکنم اگر شما بدین دزدها مشت بزنید ما وظیفه داریم وقتی که به کیلان رفته مهندس تبریزی هست آقایان پورسرتیب هم در خوشخانه ماون بنده بوند (پورسرتیب اول) هم ماون هم (هستم) حالا رئیس بنده هستید آقای پورسرتیب از بنده پرسیدند که با وزارت کارها تان را انجام دادید گفت بنده دولتی ندیدم بغیر از اداره دخانیات هیچکس کاری برای بنده انجام نداد و بعد هم پرسیدند حالا ما میخواهم عرض کنم که این مسائلی که عرض میکنم این مسائل را کوچک نگیرید شما اول طرز کار خودتان را درست کنید شما این مردمی که مراجمی کنید بدون زور بایستی بکنید یکی باید انویسیل بخرید یکی باید انویس بخرید یکی باید فلاں بکنید آخر یک چیزی هست اینجا دیگر سازمان برنامه که کارش انویسیل فروشی نیست یک کسی میاید بگوید آقایان لازم است این خیلی معلومت است بفرمائید مدیر برنامه را می بیند آخر آقایان نمیشد گمان میکنی که مردم گرسه هستند انویسیل بخری و چه خواهند بکنند آخر آکی چه خواهد کرد

کسی میروید بجای و مدتی میماند تا مایل است شما خود را آنگاه میروید خود آقایان باید وسایلی را که لازم دارند خود کار حاضر بکنند و فضا طرز کارش را میروید است مصفاغه آقایان وزرا خودتان ببینید کار شما غیر از اینکه عرض میکنم هست پایه فرض بفرمائید که یک تقاضای شهرداری سلساس میروید برای یک کاری فرض کنید که خدمت جناب آقای وزیر کشور مثلا کافنی میبرند این کافنی افلا ۱۵ روز یا ۲۰ روز میماند تا برسد بدست مدیر کل میروید پس بر سرش برسد بعد اگر خیلی زدنک باشد و بتواند بریزد در معاون میسوسه بر سرش میروید پیش وزیر آنوقت وزیر در حاشیه میگوید مگر ما کرده بودیم مرتبه بر میگردد در حاشیه میگوید مذاکره شود تا برسد مدیر کل میروید کرد در اینجا از عضو زبردست توضیحات میخواهد یک گزارش تهیه میشود بعد دوم مرتبه همان جریان طی می شود این دفعه می نویسند سابقه ضمیمه میشود و رونده را می فرستند خدمت آقای وزیر و این پرونده را آقای وزیر شب میبرند خانه خسته و مانده که مطالعه بفرمائید آقا این وضع را ببیند از کار آقا شاعر اخبار انتخابتان را بدینر کلیها یا بماند اینتنان نمیدهد اگر با شخصیت نیستند چرا انتخا بفرمایند که آخر در مالک دیگر وزیر بیا بکارها نرسد شما باید یک کارهای کلی ملک را از لحاظ اقتصاد و سیاست برسد آقایان وزیر هر کسی که مگرم میکند باید آقایان وزیر امینی دستور بدهند هر کاری که وزارت اقتصاد میکند باید آقایان وزیر که در هر کاری برای اینکه اینها آتقدر شخصیت ندارند که کاری بکنند آقا این بی شخصیتها را ببینید دور یکدیگر جوان تعصیل کرده را ببینید که کار بگذارید طرز کار ادارات عود خود (خوشتری- قوازمین عبیدارنه) خوب آن هم یک قسمت دیگری است که بی اساس استان که نمیتوانید در کارها موفق بشوید این مراجعات اشخاص است از این مراجعات مردمی را بایستی برادر از خودتان این را در وقت برداشتید نود درصد کارتان سبک میشود وقتی کارتان سبک شد بکارهای دیگر مردم میروید یکی دیگر از طرق ابتکار توسعه اختیارات استانداران هاست من این مطلب را بجناب آقای نخست وزیر گفتیم فوراً دستور دادند حالا دستور شما را اجرا کنند یا نکنند آن چیز دیگری است خوشبختانه طرف اجرای دستور هم نظامی بود آقای سرتیب هابنایی ایشان هم دستور یک کیسویونی دادند و این کیسویونی رفت برای یکاه و دو ماه دیگر یعنی رفت توی چاه و بیل تا بار دیگر نتیجه بر سرش آقای نخست وزیر برسد این موضوع راههای که خراب است در تمام ندران رشت در گمانی را که خراب است چه ربطی به اینکار دارد اگر با عدالتان دار اختیار داشته باشد اگر این گودال خراب است هر کس که این کارها را میکند

هزار تومان اعتبار راهسازی دارد یک راهی بایستی با هزار تومان جمع بشود موقوف تعمیر میشود باید هر کجا که بشود باید می رود و بعد پانصد مرکز اجازه بدهد که یکوقت این راه ساخته شود با چه مبلغ معلوم نیست آن بیچاره استانداران ندانند شخص حق ندارد اظهار نظر کند که این راه را بسازند بعضی از لایه های کیلان ده های پل یا ناصه تومان احتیاج به تعمیر داشته یکی از آقایان استاندارها پیشنهاد کرده با ۵۰۰ مدیر کل می نویسند بر سرش برسد بعد اگر خیلی زدنک باشد و بتواند بریزد در معاون میسوسه بر سرش میروید پیش وزیر آنوقت وزیر در حاشیه میگوید مگر ما کرده بودیم مرتبه بر میگردد در حاشیه میگوید مذاکره شود تا برسد مدیر کل میروید کرد در اینجا از عضو زبردست توضیحات میخواهد یک گزارش تهیه میشود بعد دوم مرتبه همان جریان طی می شود این دفعه می نویسند سابقه ضمیمه میشود و رونده را می فرستند خدمت آقای وزیر و این پرونده را آقای وزیر شب میبرند خانه خسته و مانده که مطالعه بفرمائید آقا این وضع را ببیند از کار آقا شاعر اخبار انتخابتان را بدینر کلیها یا بماند اینتنان نمیدهد اگر با شخصیت نیستند چرا انتخا بفرمایند که آخر در مالک دیگر وزیر بیا بکارها نرسد شما باید یک کارهای کلی ملک را از لحاظ اقتصاد و سیاست برسد آقایان وزیر هر کسی که مگرم میکند باید آقایان وزیر امینی دستور بدهند هر کاری که وزارت اقتصاد میکند باید آقایان وزیر که در هر کاری برای اینکه اینها آتقدر شخصیت ندارند که کاری بکنند آقا این بی شخصیتها را ببینید دور یکدیگر جوان تعصیل کرده را ببینید که کار بگذارید طرز کار ادارات عود خود (خوشتری- قوازمین عبیدارنه) خوب آن هم یک قسمت دیگری است که بی اساس استان که نمیتوانید در کارها موفق بشوید این مراجعات اشخاص است از این مراجعات مردمی را بایستی برادر از خودتان این را در وقت برداشتید نود درصد کارتان سبک میشود وقتی کارتان سبک شد بکارهای دیگر مردم میروید یکی دیگر از طرق ابتکار توسعه اختیارات استانداران هاست من این مطلب را بجناب آقای نخست وزیر گفتیم فوراً دستور دادند حالا دستور شما را اجرا کنند یا نکنند آن چیز دیگری است خوشبختانه طرف اجرای دستور هم نظامی بود آقای سرتیب هابنایی ایشان هم دستور یک کیسویونی دادند و این کیسویونی رفت برای یکاه و دو ماه دیگر یعنی رفت توی چاه و بیل تا بار دیگر نتیجه بر سرش آقای نخست وزیر برسد این موضوع راههای که خراب است در تمام ندران رشت در گمانی را که خراب است چه ربطی به اینکار دارد اگر با عدالتان دار اختیار داشته باشد اگر این گودال خراب است هر کس که این کارها را میکند

باید نظر داشته باشید که اینها را با آنها و گدار

ایشان را کی بازمی کند (هرگاه مستحق اشخاص خوب هستند در ملک ما ذخیره نیست اشخاص خوب و صحیح هم ما ذخیره در ما معلمان این عمل را بکنند ببینیم چه می شود) یکساعت مهم برنامه مشاوره طوفانیت

شا آن موفقیت در فعالیت اقتصادی تان است رویه شما یعنی رویه عانی که تا کنون بوده است بظن من صحیح نبود من از شما میگویم که به رویه ای درست کنید که ثابت مؤثر و مفید باشد در مسائل اقتصادی مسائل اقتصادی قابل شوخی و بازی نیست امور اقتصادی در همه چیز تأثیر دارد شما بایستی فعالیت های اقتصادی را با از طرف دولت بکنید با از طرف مردم باشد دولت نظارت می تواند بکند اما مداخلاتی که تا کنون شده معادله است هم نظارت است هم فعالیت فردی است در ملک این موضوع فعالیت های اقتصادی را موضوع مشترک کار بروننگ کرده اند معلوم نیست که چیست برای نمونه موضوعی را که می بینم پارسل وارد چای را منع کردند بنده وارد آن نمی شوم که آیا باید بکنند یا نکنند اما منع که کردند بیکمه جواز دادند که وارد کنند عمل بخته نبود در این منع کردن قیمت چای گران شد این درد دولت گذشته شد (میراشرفی - آقایان که به شان اجازه دادند شریک بکنند کثیر غلام حسین مصدق بودند) بنده باشغاس کاری ندارم مربوط به بالا نیست این مثل است و کار بجایی رسید که وزیر اقتصاد ملی آمد پشت این تریبون و گفت ۱۷۰ میلیون تومان بر مردم مصرف کتنه صدمه وارد آمد خوب چرا ۱۷۰ میلیون تومان از جیب مصرف کننده مردمی آمد و بیجیب چند نفر ریخته میشود این برای این است که سیستم درست نیست پارسل یک شریک کنی درست شنبلیله شریک معاملات خارجی دولت معامله میکند که چه دولت میگوید که مردم حق نداشته باشند جنس صادر کنند و من صادرمیکنم و اینقدر میگیرم این هم تراض است و در حال ضرر دارد شریک معاملات تجارت خارجی تشکیل شده اما بنده بهوزستان رفته بودم و بهیستور باز من در شریک معاملات خارجی پنج از مردم خریدم و به میلیونها تومان سفته شریک دست مردم بود برنجها در خوزستان و در حال پورسین بود روزی آنها آمدند بنده و بخرنه تنی ۱۸۲ دلار تاجر که باشد فوراً می فروشد ولی رئیس اداره که هر ات بکنند بفروشد این باید برض معاون و وزیر برض عرض معیر کل برض مظهره آمدن ما با لاف در مردم پیش ناچار شد بنده در ۱۹۱۲ دلار فروخته بشرط اینکه خریدار ما حق داشته باشن که در مقابل صدور برنج اینقدر چای وارد کنند دولت باید اینکار را بکند که این آقای سعید خان بختیار می باشد که این سال در خوزستان مردم مصرف نموناه داشته بودند آنها را در خارج در کویت میفرستادند و داشت های خوزستان گرم است و در هر ای گرم هستند این فایده میشود در موقع خریدن باید قیمت علی حد شد که معنونه

بود سبزی است و قابل صدور نیست مالکتین میگفتند خیر سبزه است رنگش ولی سبزی نیست اختلاف به تهران ارجاع شد و یک کیسبون تشکیل شد و محکوم دادند که نفرین هنرنامه سبزی نیست حکم صحیحی دادند ولی وقتی که حکم داده شد هنرنامه ها یوسیدوز این رفتن آقای بختیار اینجا هستند (حمید بختیار صحیح است صدر صدمه صحیح است) ما بهوزستان رفتیم مردم گفتند که اما فقط اگر آزاد باشیم و بتوانیم خودمان صادر کنیم ما اینجا سالی هزارها تن جو می توانیم عمل بیاییم اما اگر عمل بیاییم جو که حاضر شد دولت می آید میگوید اینقدر میفرماید که بخواهم خارج کنیم میگوید باید من خارج کنم تنی هم صد تومان بیشتر نخریم از ما میبرد صد تومان و خودش هم میفروشد تنی ۴۰۰ تومان و دویست تومان صدور جورا آزاد بگذارید مردم خوزستان چندین هزار تن جو بعد می آوردند سطح کشت بالا میرود چندین میلیون دلار هم گیر مردمی آید (نماینده گان - صحیح است صحیح است) حالا چرا اینکار را نمیکنید این قید را بر نمی دارید بنده این فکر صحیح نیست این امتحان شده مالک خیلی معجز نتوانسته این فکر را عمل کند یعنی از علی که دولت کار گری انگلستان در انتخابات اخیر شکست خورد این بود که دولت کار گری و حکومت کار گری در کار زغال سنگ و فولاد خودش را داخل کرد مزرعه زیاد شد و بهر ای نبرد از این کار سابق مورد تأیید و تاز باشد ممکن نیست برنامہ شما سالم بقصد برسد اول بکده های معین کردند بعنوان شورا عالی بعد آن عهد را عوض کردند بنده یکمده درگیر آوردند آن منظور بیکه سازمان برنامه برای آن ایجاد شده بود من گمان میکنم خود آقایان محترم هم تصدیق بکنند که سازمان برنامه از آن چیز بیکه بوده است منحرف شده و سازمان برنامه را مجلس شورایی باید بیارود بصراط مستقیم باید بیارود بهمان چیزی که منظور آن بوده است سازمان برنامه دولت خرید بدون آنکه پول در دست باشد ۲۰ میلیون بر مردم به کار شد خدا شاهد است موقعیکه استاندار گیلان بودم از یک پیش آمدی حظ کردم مردم فقیر گیلان میانی آوردن طلبکار بودند آمدند گفتند آقای استاندار بهین ما فقیرم غذا هم نداریم اگمال هم فقهی شده و برنج سوخته بود میگفتند ما اگر سنگی را تحمل میکنیم اما چون دولت ما با خارجی در جنگ نیستند بفروشد این باید برض معاون و وزیر برض عرض معیر کل برض مظهره آمدن ما با لاف در مردم پیش ناچار شد بنده در ۱۹۱۲ دلار فروخته بشرط اینکه خریدار ما حق داشته باشن که در مقابل صدور برنج اینقدر چای وارد کنند دولت باید اینکار را بکند که این آقای سعید خان بختیار می باشد که این سال در خوزستان مردم مصرف نموناه داشته بودند آنها را در خارج در کویت میفرستادند و داشت های خوزستان گرم است و در هر ای گرم هستند این فایده میشود در موقع خریدن باید قیمت علی حد شد که معنونه

فیل مسئله ای که موجب وحشت بکندهای شد این بود که شنیده صدور پترو پترو بخواهند منع کنند خوشبختانه کسب اطلاع کردیم با آقای وزیر اقتصاد که ملاقات کردیم معلوم شد اینطور نیست و حقیقه این عمل بقدری بد است و این فکر بقدری شیطانی است که بزرگترین صدمه را خواهد زد پنه شالان سال ۳۴ هزار تن خارج میشود بهترین معقول صادراتی ملک است (صحیح است) و بعضی بکار افتاده اند شرکت برود مسافه میدهد مردم هم زراعت پنه را توسعه داده اند حتی در خرید و فروش هم شرکت مردم را آزاد گذاشته من خیلی میروم میگویم من مسافه میدهم اما تو بهر کسی که می واهی بفروشد و آنها هم در مروضه پنه حیجوت تصمصی بدون معامله اتفاق نشود موضوع دیگری که باز مربوط به اقتصاد ملک است سازمان برنامه است سازمان برنامه وقتی که در این ملک ایجاد شد مردم برای اصلاحات اقتصادی واجتماعی بسیار این سازمان توجه شده وقتی که مقرر شارب را نوشته است طریقی نوشته که دولتها در امور سازمان از لحاظ سیاسی نتوانند دخالت کنند چون دولتها اغلب دولتها دچار محظوراتی بوده اند سازمان برز مه شروع بکار کرد من هیچ وارد این نیشوم که چکار کرد چه شمی - خواهم عرض بکنم که سازمان برنامه برای این برنامه سنگینی که سازمان برنامه در دست او را میخورد هر کس جمعیت بیشتری داشت دیگری را صدمه میزند بشما یک مطلبی عرض میکنم که شما گمان نکنید دروغ است خودم استاندار بودم آقای قائم مقام رفیق که سالها و کبیل مجلس بودند و هم از ایشان نام در برنامه هستند در یک دهی که مال ایشان بود در لاهیجان در یکسال کار دزدیدند از مال او نزد بدیدند از زارع معترم هم تصدیق بکنند که سازمان برنامه از آن چیز بیکه بوده است منحرف شده و سازمان برنامه را مجلس شورایی باید بیارود بصراط مستقیم باید بیارود بهمان چیزی که منظور آن بوده است سازمان برنامه دولت خرید بدون آنکه پول در دست باشد ۲۰ میلیون بر مردم به کار شد خدا شاهد است موقعیکه استاندار گیلان بودم از یک پیش آمدی حظ کردم مردم فقیر گیلان میانی آوردن طلبکار بودند آمدند گفتند آقای استاندار بهین ما فقیرم غذا هم نداریم اگمال هم فقهی شده و برنج سوخته بود میگفتند ما اگر سنگی را تحمل میکنیم اما چون دولت ما با خارجی در جنگ نیستند بفروشد این باید برض معاون و وزیر برض عرض معیر کل برض مظهره آمدن ما با لاف در مردم پیش ناچار شد بنده در ۱۹۱۲ دلار فروخته بشرط اینکه خریدار ما حق داشته باشن که در مقابل صدور برنج اینقدر چای وارد کنند دولت باید اینکار را بکند که این آقای سعید خان بختیار می باشد که این سال در خوزستان مردم مصرف نموناه داشته بودند آنها را در خارج در کویت میفرستادند و داشت های خوزستان گرم است و در هر ای گرم هستند این فایده میشود در موقع خریدن باید قیمت علی حد شد که معنونه

ماه پیش ملازمتان رفتم از مردم خضالت کتیدم گفتند آقا هیچکس نیست بداد ما برسد (میراشرفی - این قوانین ظالمانه مال درود مصدق بود) خوب مدعی اداری بیازاری واردیدند در آخر آقا این زندان آزادی ممکن نیست در سال از ده هزار گاو که دزدیده میشود نتواند دوتایش را بگرد لایب بازدها هستند است والا دوتا گاو پیدا میشد البته در میان اینها افراد خوب هم هست افراد نجیب هم هست (پورسرتیب در گیلان گاو دزدها نادریک سازمان پروند) من آقای پورسرتیب سه ماه آنجا بودیم این را دیدیم و حالا بدتر شده است این نامنی را شما باید توجه بفرمایید به معنی غور که در شهرها امنیت تأمین شد مخصوصاً صادر میکند بنا بر این مالیات دولت هم بفرمایید میخواهم آقای وزیر کشور که مسئله ایست که قطع دارم مورد علاقه تمام آقایان نمایندگان قطع خواهد بود و آن مسئله امنیت کشاورزی در دهات است آقای نخست وزیر گوش بفرمایید جنابها ۲۰ قایبته از پدرم شنیده در جنگی که در ۱۹۲۹ و ۳۰ در چالوس و نوشهر واقع شد آنجا جنابها ای فرمانده آن جنگ بوده آن جنگ را شما برده درواغی شمال شما سالها فرمانده بودید رئیس تپ بودید واقفید بر اوضاع و احوال این مسائل را از شما می خواهم اینجا که جنابها نیستی نوشته که دولتها در امور سازمان از لحاظ سیاسی نتوانند دخالت کنند چون دولتها اغلب دولتها دچار محظوراتی بوده اند سازمان برز مه شروع بکار کرد من هیچ وارد این نیشوم که چکار کرد چه شمی - خواهم عرض بکنم که سازمان برنامه برای این برنامه سنگینی که سازمان برنامه در دست او را میخورد هر کس جمعیت بیشتری داشت دیگری را صدمه میزند بشما یک مطلبی عرض میکنم که شما گمان نکنید دروغ است خودم استاندار بودم آقای قائم مقام رفیق که سالها و کبیل مجلس بودند و هم از ایشان نام در برنامه هستند در یک دهی که مال ایشان بود در لاهیجان در یکسال کار دزدیدند از مال او نزد بدیدند از زارع معترم هم تصدیق بکنند که سازمان برنامه از آن چیز بیکه بوده است منحرف شده و سازمان برنامه را مجلس شورایی باید بیارود بصراط مستقیم باید بیارود بهمان چیزی که منظور آن بوده است سازمان برنامه دولت خرید بدون آنکه پول در دست باشد ۲۰ میلیون بر مردم به کار شد خدا شاهد است موقعیکه استاندار گیلان بودم از یک پیش آمدی حظ کردم مردم فقیر گیلان میانی آوردن طلبکار بودند آمدند گفتند آقای استاندار بهین ما فقیرم غذا هم نداریم اگمال هم فقهی شده و برنج سوخته بود میگفتند ما اگر سنگی را تحمل میکنیم اما چون دولت ما با خارجی در جنگ نیستند بفروشد این باید برض معاون و وزیر برض عرض معیر کل برض مظهره آمدن ما با لاف در مردم پیش ناچار شد بنده در ۱۹۱۲ دلار فروخته بشرط اینکه خریدار ما حق داشته باشن که در مقابل صدور برنج اینقدر چای وارد کنند دولت باید اینکار را بکند که این آقای سعید خان بختیار می باشد که این سال در خوزستان مردم مصرف نموناه داشته بودند آنها را در خارج در کویت میفرستادند و داشت های خوزستان گرم است و در هر ای گرم هستند این فایده میشود در موقع خریدن باید قیمت علی حد شد که معنونه

هر چه روح طالبات را بالا ببرد ترخیص مسائل بالاتر می رود هم در میدانند پویشید نیست که کرد دولت سال ۵۰ میلیون تومان مالیات مستقیم وصول میکند شاید باندازه نکت این مبلغها غیر مستقیم بخرید که اشخاص میروند (نماینده گان - بلکه بیشتر) اما در همین وزارت دارائی آنقدر جوان و پیر و آدم کامل خوب و درست هست که خدا شاهد است من خودم ۱۰۰ نفر ۱۰۰ نفر را می شناسم که اگر به نان شب محتاج باشند بکنند یا نیکند ولی آنها خود شرا کتار میکنند این سیستم غلط است روح غلط است وقتی که رویه غلط شد اشخاص سوء استفاده چی سوء استفاده میکنند قبول از اینکه نباید به کیسینون آن پیش آگاهی صادر میکند بنا بر این مالیات دولت هم بفرمایید میخواهم آقای وزیر کشور که مسئله ایست که قطع دارم مورد علاقه تمام آقایان نمایندگان قطع خواهد بود و آن مسئله امنیت کشاورزی در دهات است آقای نخست وزیر گوش بفرمایید جنابها ۲۰ قایبته از پدرم شنیده در جنگی که در ۱۹۲۹ و ۳۰ در چالوس و نوشهر واقع شد آنجا جنابها ای فرمانده آن جنگ بوده آن جنگ را شما برده درواغی شمال شما سالها فرمانده بودید رئیس تپ بودید واقفید بر اوضاع و احوال این مسائل را از شما می خواهم اینجا که جنابها نیستی نوشته که دولتها در امور سازمان از لحاظ سیاسی نتوانند دخالت کنند چون دولتها اغلب دولتها دچار محظوراتی بوده اند سازمان برز مه شروع بکار کرد من هیچ وارد این نیشوم که چکار کرد چه شمی - خواهم عرض بکنم که سازمان برنامه برای این برنامه سنگینی که سازمان برنامه در دست او را میخورد هر کس جمعیت بیشتری داشت دیگری را صدمه میزند بشما یک مطلبی عرض میکنم که شما گمان نکنید دروغ است خودم استاندار بودم آقای قائم مقام رفیق که سالها و کبیل مجلس بودند و هم از ایشان نام در برنامه هستند در یک دهی که مال ایشان بود در لاهیجان در یکسال کار دزدیدند از مال او نزد بدیدند از زارع معترم هم تصدیق بکنند که سازمان برنامه از آن چیز بیکه بوده است منحرف شده و سازمان برنامه را مجلس شورایی باید بیارود بصراط مستقیم باید بیارود بهمان چیزی که منظور آن بوده است سازمان برنامه دولت خرید بدون آنکه پول در دست باشد ۲۰ میلیون بر مردم به کار شد خدا شاهد است موقعیکه استاندار گیلان بودم از یک پیش آمدی حظ کردم مردم فقیر گیلان میانی آوردن طلبکار بودند آمدند گفتند آقای استاندار بهین ما فقیرم غذا هم نداریم اگمال هم فقهی شده و برنج سوخته بود میگفتند ما اگر سنگی را تحمل میکنیم اما چون دولت ما با خارجی در جنگ نیستند بفروشد این باید برض معاون و وزیر برض عرض معیر کل برض مظهره آمدن ما با لاف در مردم پیش ناچار شد بنده در ۱۹۱۲ دلار فروخته بشرط اینکه خریدار ما حق داشته باشن که در مقابل صدور برنج اینقدر چای وارد کنند دولت باید اینکار را بکند که این آقای سعید خان بختیار می باشد که این سال در خوزستان مردم مصرف نموناه داشته بودند آنها را در خارج در کویت میفرستادند و داشت های خوزستان گرم است و در هر ای گرم هستند این فایده میشود در موقع خریدن باید قیمت علی حد شد که معنونه

مذاکرات مجلس شورای ملی

اساسی سوانح - آقایان افشار صادقی
 دکتر یزدانی، نسیری، استخر، صدقی، عباسی
 ساروس، دولت‌شاهی، فخری، حمیدیه، دکتر
 قتل، اورنگ، موسوی، عبدالصاحب صفائی
 ایلخانی زاده، مهندس ظفر، اسکندری
 خلمتیزی، سلطان العلماء، عبدالحمید
 پختیار، شلمی، دکتر محمد هاشم وکیل
 فریدزادگی، توفیق الاسلامی، کبکاوسی
 مسعود رضائی، صادق پوشهری، دکتر
 سعید حکمت، مهندس شاهرخ‌شاهی، مرتضی
 حکمت، مکرم، خاکباز، بوربور، بیات
 ماگو، شادمان، اعظم زنگنه، بزرگ‌نیا
 دکتر بینا، نورالدین امامی، مستندجی، معین

زاده، بهبهانی، مرآت‌شندبیری، بارافشار
 نقابت، مصمن‌اکبر، کریمی، دکتر آملی
 دهقان، تجدد، صفاری، مصدوی، یاقز
 پوشهری، مهندس جفرودی، مهندس اردبیلی
 میراشراقی، مسعودی، هدی، کاشانیان
 دکتر افشار، تفضلی، دکتر سید امامی
 جلیلی، کاشانی، پناهی، سیداحمد صفائی
 سلطان‌نراد بختیار، اسمعیل قوامی، رضا
 افشار، دولت‌آبادی، مراد اریه، صراف
 زاده، فرود، لاری، اخوان، کی‌زاد
 خرازی، خزیه اهلیم، داراب، تیمورتاش
 سعیدی، هاملی، دکتر امیر نیرومند

شادلو، قرشی، امیر احتشامی، اردلان
 دکتر حسروی، توماج، جلیلووند، فئات
 آبادی، حشمتی، شوشتری، کاظم شیبانی
 دکتر شاهکار، عیدی نوری، دکتر مشیر
 فاطمی، امید سالار، صدرزاده، سالار
 بهزادی، کدیور، دکتر جزایری، پور
 سرکشی، احمد فرامرزی، مشایخی، محمود
 افشار، عماد تربتی
 زرفه سفید بی اسم علامت امتناع -
 دو برک
 رئیس - آقای نخست وزیر فرمایشی
 دارید ؟

تخصیص وزیر، بنده از طرف خودم
 و از طرف هیئت ذوات تشکر میکنم و
 امیدوارم با این حسن نظری که آقایان
 ابراز فرمودند بتوانم خدمات قابل انجام
 بدهم

(۴) تعیین موقع جلسه بعد
ختم جلسه

رئیس - جلسه ختم میشود و جلسه
 آینده روز یکشنبه دوازدهم و پنجشنبه دیگر
 جلسه نخواهیم داشت جلسه آینده روز یکشنبه
 ساعت ۹ صبح خواهد بود
 (نیم ساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت